



تبرک تبرک دهپوره



مهدی زردشت



دنبوره، ابزار موسیقی ترک‌تباران است. این وسیله را اوزبیک‌ها «دومبیره» می‌گویند. ترک‌تباران دیگر «دمبوره» و «دنبوره» می‌خوانند. دمبوره، آله قدیمی و اصیل ملت‌های ترک جهان مانند اوزبیک‌ها، قزاق‌ها، تورکمن‌ها، قیرغیزها، قره‌قپاق‌ها، آلتای‌ها، باشقیردها، یاقوت‌ها، تاتارها و اوغورها و مردمان دیگر آسیای مانند تاجیک‌ها و هزاره‌هایند. قلمرو دمبوره، افغانستان، ازبکستان، آذربایجان، شمال ایران، قرغیزستان و قزاقستان را نیز شامل می‌شود.

دمبوره، موسیقی مشترک کشورهای آسیای میانه است که با انگشت نواخته می‌شود و بلندتر نسبت به دوتار، گیتار، ویولن و غیره است. این آله موسیقی بیشتر در کشورهای آسیای مرکزی مانند قزاقستان، ازبکستان، افغانستان، تاجیکستان، قسمت غربی چین و آسیای شمال غربی مانند ایران، ترکیه، کشورهای قفقاز و بالکان نواخته می‌شود. دمبوره در کشورهای مختلف مورد نظر به صورت‌های گوناگون نواخته می‌شود؛ اما ویژگی خاصی که در نواختن دمبوره وجود دارد، همان سبک و روش است که هر منطقه جغرافیایی به گونه‌ای خود آن را می‌نوازند؛ اما صدا و آوای آن مشترک است.

دمبوره، رابطه فرهنگی یگانه میان کشورهای آسیای میانه و شمال غرب آسیا است که به عنوان زبان مشترک‌المنافع این کشورها یاد می‌شود. از این رو، در بیشتر کشورهای آسیای میانه و در مراسم ملی و فرهنگی این مردم با گونه‌های مختلف نواخته می‌شود و رگه‌ای از فرهنگ عمومی مشترک و یک خط واضح فرهنگی را میان این کشورها به وجود می‌آورد که از نگاه فرهنگی آن‌ها را به هم دیگر وصل می‌کند. اوزبیکان دمبوره را بیشتر دومبیره می‌گویند. دمبوره از ابزار موسیقی ملی و اصیل ازبکان است که در ازبکستان و افغانستان نواخته می‌شود و نوازندگان معروفی دارند. محمدحلیم یارقین در فرهنگ شفاهی اوزبیک‌ها، «دنبوره» را که شکل نمادین فرهنگی در فرهنگ عامه مردم اوزبیک دارد، در شعرهای بومی و ضرب‌المثل این‌گونه نشان داده است:

- قرنیم دومبیره چیرته دی! (شکمم دمبوره میزنه!)؛
- مین نیمه دیمین، دومبیرهم (قویزیم) نیمه دیدی! (مه چه موگوم، دمبوره مه چه موگیه!)؛
- ایشک تی قولاغیگه دومبیره چیرتماق! (در گوش خر یاسین خواندن!)؛

- دومبیره چیرتیب یوریتتی! (در مورد شخص بیکاره و تنبل).
و یا این مصرع‌های «سبزمین» مردمی:
کوچه دن اوتیب باره دی اوچ کیشی
دومبیره چیرتیب بارر اورتنجیسی
دومبیره چیرتگن قولی کاهشده دور
اوقوشیق آیتگن تیلی نالشده دور.

دومبیره، دنبوره و یا دمبوره در میان ترک‌تباران با آهنگ‌های بزمی، حماسی، غنایی، خوشی، اخلاقی و... خوانده می‌شود و به گونه تک‌نوازی، گروهی یا همراه با آلات دیگر موسیقی نواخته می‌شود.

در افغانستان، دمبوره موسیقی ملی و فولکلور ملت‌های ترک‌تبار (هزاره، اوزبیک، ترکمن) به حساب می‌آید، در شمال ایران دمبوره بیش‌ترین کاربرد و استفاده را در میان مردمانی دارد که «آذری»، «ایل هزاره» و «خاوری» خوانده می‌شوند. در ازبکستان همانند سایر ملت‌های ترک‌تبار، دمبوره کاربرد وسیع دارد و جز یکی از اسباب مهم موسیقی اوزبیک‌ها شمرده می‌شود. در ترکمنستان نیز دمبوره طرفداران فراوانی دارد.

نحوه نواختن یا به عبارت دیگر سبک، در میان همه مردم و ملت‌هایی که دمبوره جزء موسیقی ملی آن‌ها است یا این که کم‌وبیش از جایگاه ویژه در میان‌شان برخوردار است، مختلف است. به طور نمونه آذری‌ها و خاوری‌های ایران، به شکل خاص و به روش خود، دمبوره کوک می‌کنند، ترک‌تباران افغانستان به شمول هزاره‌ها و قزاق‌ها به روش منحصر به خود، دمبوره می‌نوازند و سبک واحدی برای نواختن دمبوره وجود ندارد. با وجود این، بست کلی و صدایی که از این دمبوره‌ها با کاسه چوبی آن از نوک انگشتان نوازنده‌اش بر می‌خیزد، یک نوع است؛ صدایی تا حدودی دلنشین که در هنگام نواختن، به نوازنده آرامش خاصی می‌دهد و مخاطبانش را نیز جذب می‌کند.

دمبوره در میان فرهنگستان هنر موسیقی ایران و برخی دیگر، به اسم دوتار یاد می‌شود که از دیر زمانی اصالت خود را حفظ کرده است تا جایی که گسترش و هیبت بازار موسیقی مدرن، خدش‌های بر آن وارد نکرده است و در میان مردم ایران، از احترام و اعتباری برخوردار است. در این میان دمبوره میان هزاره‌ها و قزاق‌ها از نظر عنصر هویت‌بخشی جایگاه یگانه دارد که در این نوشته سعی شده است ضمن تشریح و بازنمایی نحوه نواختن دمبوره میان قزاق‌ها و هزاره‌ها، تفاوت‌های سبکی آن‌ها نیز برشمرده شود.

دمبوره هزاره‌گی و قزاقی

قزاق‌ها، مردم ساکن در آسیای میانه‌اند. دمبوره در قزاقستان جایگاه خاص مردمی دارد که در برنامه‌های مختلف رسمی و غیررسمی در زمان‌های مختلف به عنوان اصیل‌ترین فرهنگ این مردم نواخته می‌شود. در این کشور دمبوره در محفل‌های بزرگ دولتی مانند جشن استقلال، جشن همبستگی ملت‌های ساکن این کشور و مراسم فرهنگی مانند نوروز و جشن‌های عروسی و مانند آن استفاده می‌شود. مردان و زنان قزاق برای نواختن دمبوره استاد می‌گیرند و یا به صورت سنتی آن را فرامی‌گیرند.

در قزاقستان برای نواختن دمبوره تفاوت جنسیتی وجود ندارد؛ یعنی زن و مرد پیر و جوان می‌توانند دمبوره یاد بگیرند و در محفل‌های گوناگون و در ارکسترهای بزرگ موسیقی بنوازند. از این رو، مردم قزاقستان به دمبوره ارزش زیادی قائل است. دمبوره در قزاقستان به عنوان محبوب‌ترین و مهم‌ترین آله موسیقی به حساب می‌آید، به گونه‌ای که اگر هنر و صدای دمبوره در روح قزاقی جاری باشد، آن قزاق، قزاق‌تر از همه قزاق‌ها است. به عبارت دیگر، دمبوره جزء هویت مردم قزاق است

و بنابراین، قزاقی که بتواند دمبوره بنوازد، به این معناست که روح اصیل قزاق در بدنش جاری است.

در زبان قزاقی دمبوره را مانند زبان فارسی دری مردم هزاره (گوش هزاره‌گی)، اوزبیک، ترکمنی، قیرغیزی و... «دومبیره» می‌گویند که نشان از ارتباط فرهنگی عمیق بین مردم آسیای میانه، افغانستان و مردم هزاره دارد.

در قزاقستان در مجلس و جشن قزاق‌ها، دمبوره جایگاه بالایی دارد که شروع برنامه‌های فرهنگی و شادی (عروسی‌ها) با آن شروع می‌شود. در جشن‌های عروسی قزاق‌ها هنگام «بیتاشر» (دیدن صورت عروس) دمبوره نواخته می‌شود. قزاق‌ها به دمبوره به عنوان اصلی‌ترین ریشه فرهنگ سنتی و عامه‌شان می‌نگرند و احترام خاصی به آن قائلند. دمبوره (Домбра) آله ملی موسیقی سنتی قزاقستان است که همراه با قویز، سیبیزی، داولپاز، سرنای، شرتر، ژتیگین و... نواخته می‌شود.

دومبریا دمبوره قزاقی نوعی لوت دسته‌بلند ترکی و از گروه سازهای زهی است. طوری که یادآور شدم، دمبوره ساز و برگ اصلی مردم هزاره نیز است و می‌توان آن را مترادف و مساوی با هویت و فرهنگ مردم

هزاره معنا کرد. وقتی می‌گویم دمبوره هزاره‌گی، به این معنا نیست که خود ابزار، متفاوت از دمبوره‌ای باشد که مثلاً در میان آذری‌های ایران، قزاق‌ها و یا ترکمن‌ها نواخته می‌شود، منظورم از دمبوره هزاره‌گی، اشاره مستقیم به سبک است که هزاره‌ها با آن شناخته می‌شوند. همین‌طور، اگر می‌گویم دمبوره قزاقی، اشاره مستقیم به سبک دمبوره، در میان مردم قزاق دارد.

در دمبوره هزاره‌گی، نوازندگان دمبوره را بسته به بافت سنتی، فرهنگی و اجتماعی جامعه، می‌نوازند. دمبوره‌نوازان هزاره، بیشتر افراد میان‌سال، جوان و کم سن‌وسال‌اند، آن‌ها دارای روحیه شادتر و سنت‌شکنانه‌تر از دیگرانند، همه آن‌ها با نواختن دمبوره، به برداشت عوام، سنت‌های حاکم را می‌شکنند؛ زیرا واقعیت این است که ساز دمبوره در میان جوامع دینی و روحانیان مذهبی هزاره، از گذشته‌های دور حتا تا اندازه‌ای در زمان کنونی، یک نوع بدعت به حساب می‌آید و تلقی چنین افراد بر این است که دمبوره در منافات با سنت‌ها و آموزه‌های دینی و هنجارهای عام اجتماعی است؛ اما در میان مردم قزاق که دمبوره از جایگاه ویژه برخوردار است، نواختن آن، نه مخاطب خاص می‌خواهد و نه نوازنده خاص می‌طلبد. در میان مردم قزاق، دمبوره‌نواز

در افغانستان، دمبوره موسیقی ملی و فولکلور ملیت‌های ترک‌تبار (هزاره، اوزبیک، ترکمن) به حساب می‌آید، در شمال ایران دمبوره بیش‌ترین کاربرد و استفاده را در میان مردمانی دارد که «آذری»، «ایل هزاره» و «خاوری» خوانده می‌شوند. در ازبکستان همانند سایر ملیت‌های ترک‌تبار، دمبوره کاربرد وسیع دارد و جز یکی از اسباب مهم موسیقی اوزبیک‌ها شمرده می‌شود. در ترکمنستان نیز دمبوره طرفداران فراوانی دارد.

بنیاد

تاریخ

پیر و جوان ندارد. دمبوره به عنوان موسیقی محبوب و خواستنی، باب دل همه است: مرد و زن، پیر و جوان و شاه و گدا آن را می نوازند و با آن می خوانند.

تفاوت ساختاری (سبک و نحوه اجرا) دو دمبوره هزاره‌گی و قزاقی این گونه است:

هنرمندان و نوازندگان دمبوره هزاره‌گی، برای دمبوره نت نمی نویسند. آن‌ها همه سبک‌ها را در ذهن‌شان حفظ دارند. بنابراین، در زمان اجرای سبک، هیچ کاغذی با خود ندارند؛ اما دمبوره‌نوازان قزاقی، برای دمبوره اغلب نت می نویسند و در کنسرت‌ها و در همراهی از ارکسترها، از روی کاغذ می نوازند.

نوازندگان دمبوره هزاره‌گی، همیشه و بر طبق اصول، در همخوانی و همراهی با صدای دمبوره آواز نیز می خوانند. در میان هزاره‌ها، دمبوره کمتر به تنهایی نواخته می شود. در جریان نواختن دمبوره، نوازنده خود یا با دیگری می خواند؛ اما در دمبوره قزاقی، چنین چیزی به ندرت دیده می شود؛ یعنی در اصول دمبوره‌نوازی قزاقی، آواز وجود ندارد یا دست‌کم در اصول کلی دمبوره قزاقی، آواز حتمی نیست. در قزاقستان، به طور معمول دمبوره بی آواز و به صورت تک‌صدا، نواخته می شود.

طرز نواختن دمبوره هزاره‌گی و قزاقی نیز متفاوت است. هنرمندان و نوازندگان دمبوره هزاره‌گی، به طور معمول دمبوره را با سه انگشت و یا حداکثر دو انگشت و بیشتر به صورت یک‌تار، خیلی ظریف و نازک می نوازند.

دembوره‌چی‌های کلاسیک هزاره، به طور عموم سعی کرده‌اند دمبوره را با هیچ ساز دیگری، هم‌خوان نسازند. آن‌ها اصرار دارند دمبوره اصیل، باید به تنهایی و در هم‌نوازی تنها با خودش نواخته شود. برای همین صفدر توکلی تمام قطعاتی را که اجرا کرده است، تنها با دمبوره اجرا کرده است و در ترانه‌های او، هیچ صدایی جز صدای دمبوره وجود ندارد. البته هنرمندان جوان هزاره، سعی کرده‌اند دمبوره را با سازهای دیگر، هم‌خوان کنند و به این طریق سبک جدیدی از دمبوره‌نوازی را رواج دهند؛ اما در میان دمبوره‌چی‌های قزاق، این گونه نواختن کم‌تر

در میان هزاره‌ها دمبوره بیشتر رنگ و بوی غیررسمی دارد. به عبارت دیگر، دمبوره اسباب محفل دوستانه است؛ اما در این شکی نیست که دمبوره، با رگ و خون مردم هزاره آمیخته است و اکنون، بخشی از هویت هزاره‌ها است؛ اما در میان قزاق‌ها، دمبوره بیشتر رنگ و بوی رسمی و جنبه ملی دارد، در کنسرت‌های رسمی هم‌زمان با مناسبت‌های خاص به طور نمونه روز استقلال قزاقستان یا جشن نوروزی و... نواخته می شود.

دیده می شود. دمبوره‌نوازان قزاقی در کنسرت‌های بزرگ، به طور عموم دمبوره را با هم‌نوازی یک ارکستر، ویولن، پیانو و مانند آن تلفیق و هم‌خوان می کنند؛ یعنی دمبوره‌چی‌های قزاقی اصرار بر تک‌نوازی و تک‌صدایی دمبوره ندارند.

در میان هزاره‌ها دمبوره بیشتر رنگ و بوی غیررسمی دارد. به عبارت دیگر، دمبوره اسباب محفل دوستانه است؛ اما در این شکی نیست که دمبوره، با رگ و خون مردم هزاره آمیخته است و اکنون، بخشی از هویت هزاره‌ها است؛ اما در میان قزاق‌ها، دمبوره بیشتر رنگ و بوی رسمی و جنبه ملی دارد، در کنسرت‌های رسمی هم‌زمان با مناسبت‌های خاص به طور نمونه روز استقلال قزاقستان یا جشن نوروزی و... نواخته می شود.

تفاوت‌هایی را که برشمردم، هیچ‌گاه مطلق نیست. تلاشی است در راستای فهم و مقایسه دو سبک و یک آله میان دو ملیتی که در واقع یک بستر فرهنگی دارند. بنابراین، با تمام تفاوت‌های ساختاری و سبکی در دو دمبوره هزاره‌گی و قزاقی، یک روح مشترک میان آن دو وجود دارد؛ زیرا تفاوت‌ها در سبک، موضوع ساده و طبیعی است. آن چه این دو دمبوره را به هم نزدیک و یکی می کند، روح هویت‌بخشی است. دمبوره در میان دو ملیت قزاق و هزاره، مساوی به هویت آن‌ها است.

دembوره‌نوازی مشترک قزاق‌ها و هزاره‌ها

دembوره‌نوازان هزاره‌گی مانند سید انور آزاد، حمید سخی‌زاده و علی ضرغام در کنار هفت دمبوره‌نواز مشهور قزاقی با شعار دمبوره میراث مشترک ترک‌تباران با حضور مسئولان دولتی قزاقستان نمایندگان قونسل و سیاسی مقیم در آلماتی به ویژه کشورهای ترک‌تبار، نویسندگان و روزنامه‌نگاران قزاقی و نزدیک به یک‌هزار هنردوست در سالن بزرگ کنسرت شهر آلماتی قزاقستان مشترک دمبوره نواختند. این کنسرت با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شده بود و از ویژگی‌های این کنسرت اجرایی آهنگ‌های اصیل و محلی هزارستان بود که با دمبوره خوانده شد.

داورین بابه مراد، رئیس نهاد چند رسانه‌ای و مدنی بولشوق (آینده) میزبان این کنسرت، در سخنرانی خود ضمن ابراز خرسندی از حضور هنرمندان هزاره‌گی در قزاقستان گفت: این برنامه محض یک برنامه فرهنگی و برای تقویت روابط نیک و حسنه میان مردمان دو کشور برگزار شده است و خوشبختانه در میان ملیت‌های ساکن در افغانستان ما مردمان هم‌خون و عضو خانواده خود را که هزاره‌ها باشد نیز داریم.

برگزاری این کنسرت نشان از یگانگی بستر فرهنگی - تاریخی هزاره‌ها و قزاق‌ها دارد که عنصر هویت‌بخشی در آن برجسته است و نشان می دهد که دمبوره وسیله‌ای است که می تواند پیوند دهنده این دو ملیت و حوزه فرهنگی باشد.